



۲۰۲۶,۰۴,۱۶

سیدعظیم حسینی

یادداشت های سفری از فرانسه و کانادا تا کرانه های مدیترانه و اوقیانوس اطلس – قسمت سیزدهم ونهائی

پس از توفقی در شهر تاریخی کازابلانکا، وسپری نمودن سیر توریستی در شهر، مهماندار مهربان مان با تمام خلوص و محبت ما را تا پای کشتی بدرقه نمود. کشتی مستریج کوستا فورتینا، در مسیر آرام اما باصلابت، به سوی اروپا و شهر افسانه ای بارسلونا حرکت کرد. پس از دو شب و دو روز آرام بر پهنه نیلگون دریا، سرانجام در تاریخ ۶ جون، با اشتیاق و کنجکاوی بسیار وارد بندر زیبای بارسلونا شدیم. بارسلونا؛ آمیزه ای از تاریخ، هنر، و زندگی شهری؛ شهری که نه تنها از نظر تاریخی و فرهنگی درخشان است، بلکه به سان نگینی در دل هسپانیه و اروپای مدیترانه ای می درخشد.



موقعیت بارسلونا در بحیره مدیترانه

بارسلونا، پایتخت کاتالونیا و دومین شهر بزرگ هسپانیه، بر کرانه بحیره مدیترانه واقع شده است. این شهر با سابقه رومی و قرون وسطایی، به دلیل آثار معمار مشهور آنتونی گائودی، یک مرکز جهانی هنر و فرهنگ است. بارسلونا با جمعیتی حدود ۱.۶ میلیون

نفر، بخشی از پادشاهی هسپانیویست. اقتصاد آن بسیار متنوع و پویاست و بر توریسم، خدمات، صنعت و نوآوری استوار است. بارسلونا از شبکه ملی برق هسپانیه تغذیه می‌شود. بارسلونا شهری که گویی از دل رؤیاهای گائودی برخاسته است. کلیسای ساگرادا فامیلیا با شکوه بی‌نظیرش، پارک گوئل با رنگ‌های شاد و اشکال عجیبش، و خیابان‌های پر جنب و جوش "رامبلا"، هر یک داستانی از هنر و زندگی را روایت می‌کردند. این شهر، با معماری خیره‌کننده و انرژی بی‌حد و حصرش، مرهمی بود بر خستگی تن و جانی دوباره به روح می‌بخشید.

بارسلونا هسپانیه SPINE Barcelona (جمعه، ۶ جون ۲۰۲۵)



طبق معمول و بروفق برنامه قبلاً تنظیم شده پس از آنکه به ساعت ۸ صبح کشتی ما به بندر بارسلونا پهلو گرفت، به منزل سوم کشتی رفتیم تا از کشتی خارج شده و با استفاده از بس های که منتظر ما بودند روانه شهر گردیم.



سفر به بارسلونا – سیر علمی و فرهنگی در قلب کاتالونیا

مهمانداران منتظر مابودند، اعضای گروه ما به سرویس های بسیار جدید ومدرن سوار شده و رهسپار شهر شدیم. هوای پاک ونظیف، آسمان نیلگون وصاف که آسمان کابل قدیم را در ذهن تداعی میکرد، شهر نهایت پاک ومنزه، پیاده روی های سنگفرش آب پاشی شده، ودرختان سبز و متنوع جاده های منظم توجه هر نو وارد رابخود جلب مینمود.



کلیسای ساگرادا فامیلیا(Sagrada Famia) این کلیسا را آنتونیو گائودی (۱۸۵۲-۱۹۲۶)معمار مشهور هسپانیوی طراحی کرد که ۱۵ سال آخر عمرش را صرف تکمیل این کلیسا نمود.

بارسلونا، پایتخت ولایت کاتالونیای هسپانیه و دومین شهر بزرگ هسپانیه، بر کرانه بحیره مدیترانه واقع شده است. این شهر با سابقه رومی و قرون وسطایی، به دلیل آثار معمار مشهور آنتونی گائودی، یک مرکز جهانی هنر و فرهنگ است. بارسلونا با جمعیتی حدود ۱.۶ میلیون نفر، بخشی از پادشاهی هسپانیه است. اقتصاد آن بسیار متنوع و پویاست و بر توریسم، خدمات، صنعت و نوآوری استوار میباشد. بارسلونا از شبکه ملی برق هسپانیه تغذیه می شود.

این شهر، با معماری خیره کننده وانرژی بی حد و حصرش، تعجب آور وروح انسان راصیقل می نماید. بارسلونا، شهری زنده و پررمز و راز، ما را با آغوش باز استقبال کرد. از همان لحظه نخست، تنفس

در هوای این شهر پر از هنر، تاریخ و خلاقیت، حس تازه‌ای به آدمی می‌داد. ما سفر خود را با بازدید از یکی از شاهکارهای بی‌بدیل معماری مدرن آغاز کردیم:

بارسلونا؛ رستاخیز هنر و معماری گائودی

بارسلونا شهری که گویی از دل رویاهای گائودی برخاسته است. شهری است که در آن سنگ‌ها سخن می‌گویند. اگرچه بار دوم بود که به این دیار می‌آمدم، اما تفاوت میان «تاراگونا» (در سفر قبلی) و قلب تپنده بارسلونا، زمین تا آسمان بود.

• **ساگرادا فامیلیا (خانواده مقدس):** تماشای این شاهکار آنتونی گائودی، انسان را به سکوتی

ستایش‌آمیز وامی‌دارد. ستون‌های داخلی کلیسا که به تقلید از درختان جنگل ساخته شده‌اند، نور

را از میان شیشه‌های رنگارنگ چنان عبور می‌دادند که گویی در میان قصری از بلور و رویا

ایستاده‌ایم.

نکته‌ی مدیریتی و تاریخی جالب این بنا، تداوم ساخت آن از سال ۱۸۸۲ میلادی است؛ نمادی از صبر و پایداری ملی برای خلق یک اثر بی‌بدیل که حتی جنگ‌ها هم نتوانستند مانع از تکمیل آن شوند.

آنتونی گائودی کی بود: گائودی تنها یک معمار نبود؛ او را «معمار خدا» می‌نامیدند، زیرا معتقد بود

خطوط مستقیم در طبیعت وجود ندارند و ساخته‌ی دست بشرند، اما منحنی‌ها متعلق به خداوند هستند.

در اینجا فشرده‌ای از زندگی و سبک منحصر به فرد او را برایتان تدوین کرده‌ام:

۱. نابغه‌ی کاتالونیا و فیلسوف سازه یا ساختمان

آنتونی گائودی (۱۸۵۲-۱۹۲۶) برجسته‌ترین نماینده سبک مدرنیسم کاتالونیا بود. او برخلاف معماران

کلاسیک که از اشکال هندسی خشک (مربع و مثلث) استفاده می‌کردند، الهام‌بخش اصلی خود را

«طبیعت» قرار داد. او می‌گفت:

«درختان، کوه‌ها و غارها، بهترین کتاب‌های معماری هستند.»

۲. سبک معماری: پیوند ارگانیک با زمین

سبک او آمیزه‌ای از معماری گوتیک، هنر اسلامی (مُدَجَن) و اشکال طبیعی بود. ویژگی‌های بارز کار

او عبارتند از:

• **تکنیک ترنکادیس (Trencadís):** استفاده از قطعات شکسته کاشی و سرامیک برای تزئین

سطوح منحنی (که در پارک گوئل به وفور دیده می‌شود).

• **حذف خطوط مستقیم:** ستون‌های او شبیه تنه درختان، بالکن‌هایش شبیه مجسمه موجودات دریایی

و سقف‌هایش شبیه فلس‌های اژدها هستند.

• **نورپردازی طبیعی:** او استاد بازی با نور بود و معتقد بود معماری باید با نور محیط جان بگیرد.

۳. شاهکار ناتمام: ساگرادا فامیلیا

گائودی بیش از ۴۰ سال از عمر خود را وقف این کلیسا کرد و در ۱۵ سال پایانی عمرش، به صورت

گوشه‌نشین در همان‌جا زندگی می‌کرد. او می‌دانست که عمرش به اتمام بنا قد نمی‌دهد و می‌گفت:

«مشتری من (خداوند) عجله‌ای ندارد». او مودل‌های گچی و نقشه‌های پیچیده‌ای باقی گذاشت تا معماران

آینده بتوانند راهش را ادامه دهند.

۴. پایان غم‌انگیز یک اسطوره

مرگ او بسیار تکان‌دهنده بود. در جون ۱۹۲۶، در حالی که طبق عادت همیشگی پیاده به سمت کلیسا

می‌رفت، با تراموی تصادف کرد. به دلیل ظاهر بسیار ساده و لباس‌های کهنه‌اش، کسی او را نشناخت

و گمان کردند گدایی بی‌خانمان است؛ به همین دلیل به بیمارستان فقرا منتقل شد. زمانی که دوستانش او

را پیدا کردند، دیگر دیر شده بود. تمام بارسلونا در سوگ او گریست و پیکرش در سرداب همان کلیسایی که نیمه‌تمام گذاشته بود (ساگرادا فامیلیا)، به خاک سپرده شد.



• **تپش در رامبلا:** قدم زدن در خیابان مشهور رامبلا، جایی که نبض زندگی شهری با بالاترین سرعت می‌تپد. تماشای پارک «گوئل» با آن اشکال هندسی عجیب و رنگ‌های زنده، یادآور این بود که «خلاقیت» مرزی نمی‌شناسد.

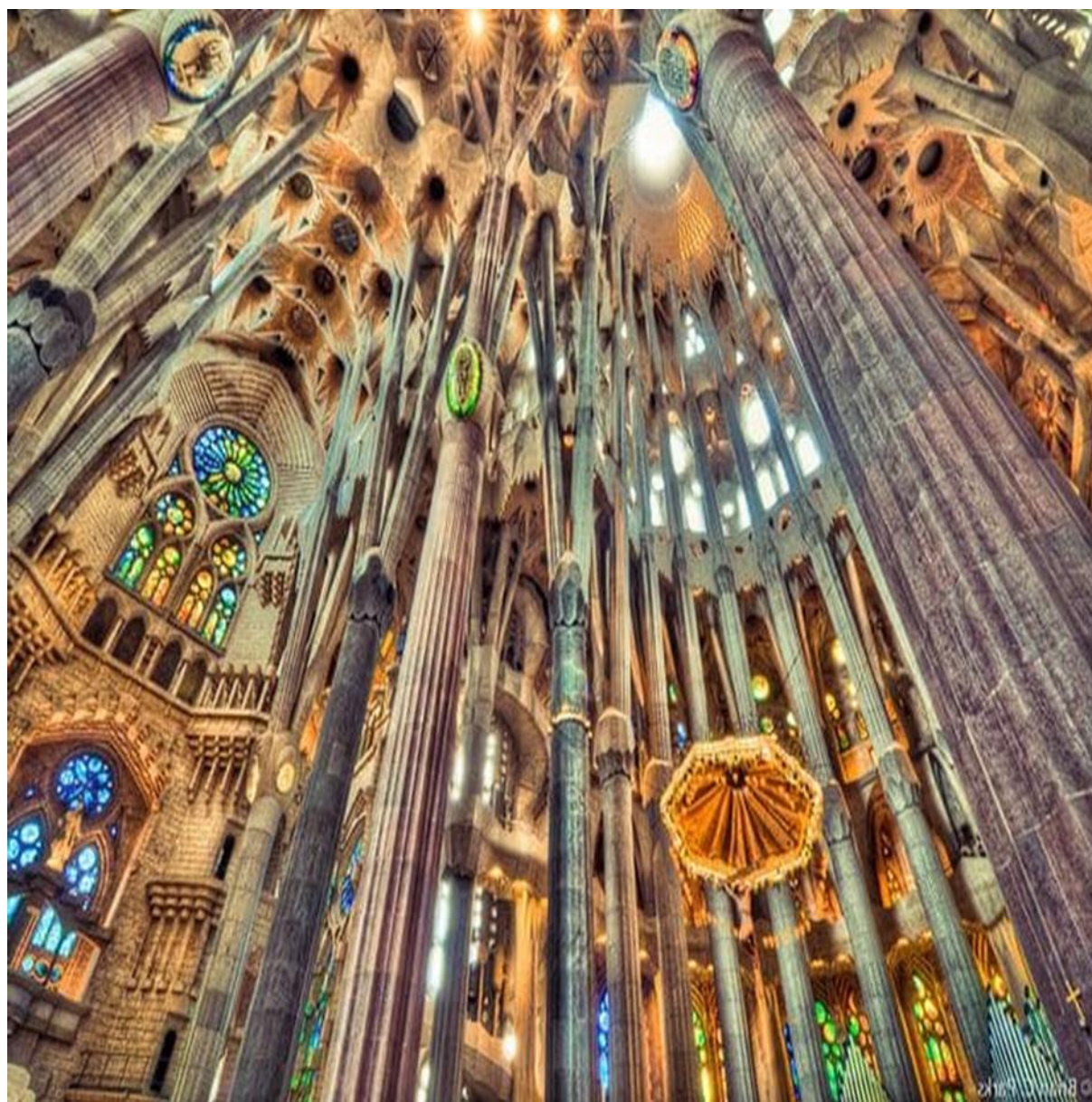
کلیسای ساگرادا فامیلیا با شکوه بی‌نظیرش، پارک گوئل با رنگ‌های شاد و اشکال عجیبش، و خیابان‌های پر جنب و جوش "رامبلا"، هر یک داستانی از هنر و زندگی را روایت می‌کردند. کلیسای نیمه‌تمام اما حیرت‌انگیز آنتونی گائودی، چون قصری از رؤیاها در قلب شهر ایستاده است. ستون‌هایی همچون تنه درختان جنگلی، پنجره‌های رنگارنگی که نور را به رقص درمی‌آوردند توجه را جلب مینماید ساگرادا فامیلیا (واژه لاتین به معنی خانواده مقدس) کلیسایی در شهر بارسلونا در کشور اسپانیه است که علاوه بر مکان مذهبی بودن، از جاذبه‌های توریستی این شهر محسوب می‌شود.



بخشهای از زیبای های کلیسای ساگرادا فامیلیا بارسلونای هسپانیه

این کلیسای کاتولیک از سال ۱۸۸۲ میلادی در حال ساخت بوده و با توجه به آن که هزینه ساخت ساگرادا فامیلیا از میان کمک‌های مردمی تامین می‌شود و روند ساخت آن به دلایل مختلفی از جمله جنگ‌های نظامی هسپانیه، تا به حال به کندی پیش رفته است؛ پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۲۶ نیز ساخت آن تمام نشود.

البته گفتنی است که در سال ۲۰۱۰ میلادی با وجود ناقص بودن بنای این کلیسا، پاپ بندیکت شانزدهم در طی مراسمی آن را به صورت رسمی افتتاح کرده است.



بخشهای از زیبای های کلیسای ساگرادا فامیلیا بارسلونای هسپانیه



بخشهای از زیبای های کلیسای ساگرادا فامیلیا بارسلونای هسپانیه



بخشهای از زیبای های کلیسای ساگرادا فامیلیا بارسلونای هسپانیه

یکی دیگر از آثار انتونی گائودی:

این بنا با نام های «کازا میلا (Casa Milà)» و «لا پدررا (La Pedrera)» شناخته می شود. در اینجا فنشده ای از گفتنی های جذاب و تحلیلی در مورد این اثر میتواند جالب باشد.

کازا میلا (لا پدررا)؛ تندیس روان از سنگ و آهن

۱. نام گذاری و تاریخچه

این بنا در بین سال های ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۲ میلادی برای زوجی ثروتمند به نام های «روره میلا» و «روزر سیگیمون» در خیابان مشهور «پاسیگ د گراسیا» ساخته شد. نام اصلی آن «کازا میلا» (خانه میلا) است، اما مردم بارسلونا به دلیل نمای سنگی خشن و نامنظمش، آن را «لا پدررا» به معنای «معدن سنگ» نامیدند. این نام که ابتدا جنبه ای انتقادی داشت، بعدها به نماد افتخار معماری مدرن تبدیل شد.

۲. سبک معماری: حذف کامل خط مستقیم

کازا میلا تجلی نهایی باور گائودی به «معماری ارگانیک» (طبیعت گرا) است. در این بنا:

- **نمای موج‌دار:** نمای بیرونی با سنگ‌های آهکی ساخته شده که هیچ‌کدام با دیگری هم‌اندازه نیستند و با انحناهای ظریف، تصویری از امواج آرام دریا را تداعی می‌کنند. گائودی در اینجا خطوط مستقیم و زاویه‌دار کلاسیک را به طور کامل حذف کرد.
- **نرده‌های آهنی:** نرده‌های بالکن‌ها، که در تصویر هم به خوبی دیده می‌شوند، با آهن‌های فرورژه به شکلی شبیه به **جلبک‌های دریایی** یا گیاهان در هم تنیده طراحی شده‌اند که با نمای موج‌دار سنگی، هارمونی بصری شگفت‌انگیزی ایجاد می‌کنند.
- **۳. مهندسی و مدیریت فضا:**
گائودی در این پروژه، نه تنها یک معمار، بلکه یک مهندس مدیر بود که راه‌حل‌های نوآورانه‌ای ارائه کرد
- **سقف همکف (Rooftop):** یکی از مشهورترین بخش‌های بنا، سقف آن است که دارای دودکش‌ها و تهویه‌هایی با اشکال عجیب و سورئال (شبیه به **کلاه‌خود سربازان** یا جنگجویان فضایی) است. این دودکش‌ها نه تنها کاربردی هستند، بلکه به تندیس‌هایی هنری تبدیل شده‌اند.



• **نور و هوا:** گائودی در این بنا، دو حیاط مرکزی (پاتیوی) بزرگ طراحی کرد تا تمام آپارتمان‌ها از نور طبیعی و هوای تازه برخوردار باشند؛ این رویکرد در مدیریت مسکن‌های شهری آن زمان، بسیار پیشرو بود.

۴. «جایگاه در یونسکو»

کازا میلا در سال ۱۹۸۴ به دلیل ارزش‌های هنری و مهندسی منحصر به فردش، به عنوان یکی از اولین آثار معماری مدرن، در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسید.

کازا د لوس ویدری پرس؛ اوج مدرنیسم تزئینی کاتالونیا

این تصویر بسیار دقیق، جزئیات خیره‌کننده‌ی نمای بنای «کازا د لوس ویدری پرس (Casa de los Vidrieres)» همان «خانه‌ی شیشه‌گران» را نشان می‌دهد. این بنا که توسط «دوکتور خوزه بالسه پرس» طراحی شده، نمونه‌ای عالی از سبک مدرنیسم تزئینی کاتالونیا است که با کارهای گائودی متفاوت، اما هم‌دوره است.



نکات کلیدی:

۱. **اوج تزئینات سنگی:** نمای این بنا غرق در تندیس‌های سنگی پیچیده و ظریف است که با الهام از طبیعت، گیاهان و پیکره‌های انسانی خلق شده‌اند. این سطح از جزئیات، نشان‌دهنده تسلط بی‌نظیر حجاران و هنرمندان آن دوره بر سنگ است و با رویکرد «روان‌سازی سنگ» در کار گائودی متفاوت است.

۲. **کرکره‌های مدرن در قاب سنتی**: تقابلی جالب میان کرکره‌های فلزی و مدرن پنجره‌ها با قاب‌های سنگی تزئینی و قدیمی، نشان‌دهنده گذار معماری آن دوره از سبک‌های کلاسیک به مدرنیسم است. این کرکره‌ها علاوه بر کاربرد، بخشی از هویت بنا به عنوان «خانه‌ی شیشه‌گران» محسوب می‌شوند.

۳. **تندیس اژدها**: تندیس اژدهای سنگی که در گوشه‌ی بنا نصب شده، یکی از نمادهای مشهور بارسلونا (نماد سنت جورج، حامی شهر) است. این جزئیات، بنا را به تاریخ و فرهنگ غنی کاتالونیا پیوند می‌زند.

این بنا را نه فقط مکان عبادت بلکه مکانی برای مراقبه هنری ساخته‌اند. این اثر هنوز در حال ساخت است و انتظار می‌رود در دهه آینده تکمیل گردد.

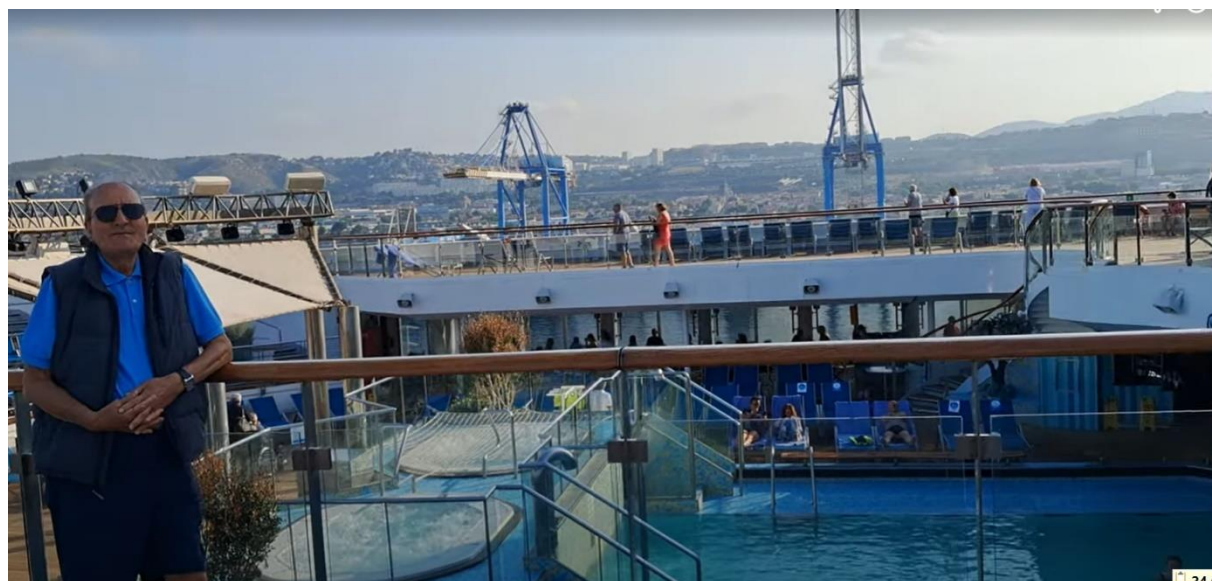


[بازگشت به مarse \(شنبه، ۷ جون ۲۰۲۵\):](#)

تجربه بازگشت به مarse – هفتم جون ۲۰۲۵

فردای آن روز، هفتم جون ۲۰۲۵، پس از سفری ۱۳ روزه که لبریز از لحظات رنگین، مناظر خیره‌کننده، و ارتباطات انسانی بود، بار دیگر به شهر مarse، این بندر تاریخی و افسانوی فرانسه، بازگشتیم. عودت به نقطه آغاز، آن‌هم با ذهنی مملو از تجربه‌ها، معنا و لذت، برایم پایان یک ماجرای

شگفت‌انگیز و آغاز نگاهی تازه به زندگی بود. گویی هر قدمی در ماری، پژواک خاطرات دریا و سرزمین‌هایی بود که پشت سر گذاشتیم .



تقدیر و سپاس از رهبری کشتی "کوستا فورتونا" و خدمه آن

سزاوار است در این بخش از سفرنامه، به‌صورت ویژه از خدمات شایان تقدیر کشتی *Costa Fortuna* یاد کنم. تجربه حضور بر عرشه این کشتی عظیم، فراتر از حمل‌ونقل دریایی، به‌راستی اقامتی باشکوه بر روی امواج اقیانوس بود.

رهبری منظم و پرصلابت ناخدا و مدیریت ارشد کشتی، حس امنیت و اعتماد را در تمامی مسیر به ما هدیه کرد. برنامه‌ریزی دقیق در هر بندر، هدایت ماهرانه کشتی از دل امواج، و مدیریت بحران‌هایی احتمالی، همه با آرامش و درایت پیش می‌رفت.

غذاهای لذیذ و متنوع: هر وعده، فرصتی بود برای چشیدن طعم‌هایی تازه؛ از صبحانه‌های رنگارنگ تا شام‌های دریایی با الهام از فرهنگ‌های مختلف، تنوع غذایی این کشتی، خود سفری در جهان مزه‌ها بود.



پرسونل مهمان‌نواز: لبخند همیشگی، دلسوزی و دقت در جزئیات خدمه، فضایی خانوادگی و صمیمانه به سفر افزوده بود. آن‌ها از لحظه ورود تا لحظه وداع، همانند میزبانانی دلسوز، هر آنچه برای راحتی، سرگرمی و آسایش مهمانان لازم بود، با دل‌گرمی فراهم کردند.



پاکی و نظافت، نظم و آرامش فضا: پاکی و صفایی مثال‌زدنی، سکوت دلپذیر کابین‌ها، و چیدمان زیبا و حساب‌شده سالون‌ها، حس احترام به انسان و طبیعت را در ذهن تقویت می‌کرد.

برنامه‌های فرهنگی و تفریحی: هر شب، با اجرای موسیقی زنده، نمایش‌های هنری، یا مسابقات سرگرم‌کننده، روحیه‌ای تازه در دل دریا شکل می‌گرفت؛ گویی سفر، ترکیبی از حرکت، هنر و زندگی شده بود. در جریان این سفر دریایی، یکی از لحظات خاص و خاطره‌انگیز برای من، شبی بود که زوجی جوان تصمیم گرفته بودند جشن زندگی‌شان را روی عرشه‌ی کشتی برگزار کنند. منظره‌ای

دلنشین و صحنه‌ای به‌یادماندنی بود. در دل بحیره مدیترانه، جایی میان آسمان پرستاره و امواج آرام دریا، آن‌ها لحظاتی ناب از عشق و همراهی را با دیگر مسافران شریک ساختند.



عرشه کشتی به شکلی خیال‌انگیز تزئین شده بود. چراغ‌های لطیف، گل‌آرایی ساده اما دلنشین، و دیکوراسیونی شایسته‌ی چنین شبی، همه‌چیز را به صحنه‌ای از یک فیلم عاشقانه بدل کرده بود. نوای موسیقی زنده، از پیانو و ویلون، آرام در فضا پخش می‌شد و با صدای موزون امواج دریا عجیب هماهنگ بود، گویی طبیعت هم با این دو دل‌باخته همدل شده بود.

عمله و کارمندان کشتی با لبخند و مهربانی بی‌ریا در کنار آن‌ها، بسان اعضای فامیل این زوج جانفشانی نمودند و هر آنچه در توان شان بود برای تجلیل عالی این محفل صرفه نکردند و مثل اعضای یک خانواده که مشتاق بودند در شادی این زوج جوان سهمی داشته باشند حتماً یک شب به خاطر ماندنی برای آن‌ها رقم زدند. حضور گرم آن‌ها فضای مجلس را صمیمی‌تر ساخته بود.

از جمله نکات جالب توجه در آن شب، پذیرایی بی‌نقص و خوراکی‌های رنگارنگی بود که با ذوق و سلیقه‌ی خاصی آماده شده بودند. بوفه‌ای باز با انواع غذاهای بین‌المللی از جمله غذاهای مدیترانه‌ای، ایتالیایی، آسیایی و غذاهای دریایی تازه، در اختیار مهمانان قرار داشت. دیسرت‌هایی خوش‌رنگ و طعم‌دار، نوشیدنی‌های متنوع، و چای و قهوه با عطر دل‌فریب، گرمی خاصی به شب داده بودند. کارکنان کشتی با لبخند و احترام، به‌گونه‌ای برخورد می‌کردند که هر مهمان احساس کند در مهمانی شاهانه دعوت شده است.

تماشای این صحنه در میان آن همه آب و سکوت شب، چیزی فراتر از یک جشن ساده بود.

همراهی فراموش‌نشده‌ی با برادرم – دوکتور سید شریف حسینی

یکی از بزرگ‌ترین موهبت‌های این سفر، همراهی با برادر بزرگوارم، دوکتور سید شریف حسینی بود. او که خود از چهره‌های علمی و مدیریتی کشور است، در این سفر نه فقط همسفر، بلکه همراز، هم‌صحبت و آینه‌ای از تجربیات گذشته و امیدهای آینده بود.

ما با هم از قلب تاریخی مدیترانه تا سواحل پهناور اقیانوس اطلس، از شهرهای سنگی و باستانی تا جزایر آتشفشانی و سرسبز گذر کردیم. در هر توقفگاه، در کنار بازدید از مناظر و میراث فرهنگی، درباره آینده، تحولات اجتماعی بعضاً مقایسه با زادگاه خودمان افغانستان، و فلسفه زندگی بحث می‌کردیم؛ گفت‌وگوهایی که همچنان در ذهنم زنده‌اند.

سفری برای کشف جهان، خویشتن و ارزش‌های انسانی

این سفر، فقط جابه‌جایی مکانی نبود، بلکه حرکتی در درون نیز بود؛ حرکتی از "آشنا به ناآشنا" و از "روزمرگی به آگاهی". در مسیر این ۱۳ روزه:

با فرهنگ‌های مختلف آشنا شدیم؛ از مردمان شاد آفریقایی در کازابلانکا گرفته تا سنت‌های پرتگالی هر فرهنگ، دریچه‌ای تازه به فهم انسانیت گشود.

با قدرت طبیعت روبرو شدیم؛ آفتاب طلوع‌کننده بر دریا، موج‌هایی که به آرامی یا گاه با خروش عبور می‌کردند، آسمان شب پرستاره، همه درس‌های خاموش اما ژرفی در دل داشتند.

با مفاهیم عمیق‌تری روبرو شدیم؛ اهمیت همراهی خانواده، سازگاری در برابر چالش‌ها (مانند دوران پسا کرونا)، همگی مفاهیمی بودند که این سفر آن‌ها را عمیق‌تر درک‌پذیر ساخت



شهر ماریسی از بلندی های تپه – بس توریستی شهری



شهر مarseی از بلندی های تپه - بس توریستی شهری

خلاصه سفرنامه دریایی - کوستا فورتیونا می جون ۲۰۲۵ را میتوان چنین بیان کرد :
شهر مarseی از بلندی های تپه - بس توریستی شهری

۱. مarseی - آغاز سفر (۲۵ می ۲۰۲۵)

بندر مarseی

آغاز از بندری با عطر مدیترانه، از مarseی، شهر افق های باز و موج های آبی، سفرمان را آغاز کردیم. ایستاده بر عرشه کشتی کوستا فورتیونا، با نسیمی خنک که از ساحل بالا می آمد، به سوی ناشناخته ها رهسپار شدیم. مarseی، همان جایی که باز هم به آن باز خواهیم گشت، با نگاهی نو.

۲. ساونا، ایتالیا - ساحل آرام شمال (۲۶ می ۲۰۲۵)

رنگ های رنسانس در نفس دریا، ساونا، شهری ساحلی در شمال ایتالیا، ما را با کوچه های سنگ فرش شده، قصرهای تاریخی و آرامش خالص درونش پذیرفت. اینجا ایتالیا بود، تاریخ هنوز نفس می کشد.

۳. مالاگا، اسپانیا - دروازه اندولس (۲۸ می ۲۰۲۵)

جایی که خورشید به فرهنگ لبخند می زند، در مالاگا، خانه پابلو پیکاسو، آسمان آبی و روشنایی اندولسی بر جان ما نشست. قدم زدیم میان خیابان هایی که با عطر شکوفه های مالت و نارنج و صدای فلامنکو می لرزید. باستان و مدرنیته در این شهر در آشتی اند؛ همان طور که در دل مان، حس کشف و آرامش در هم آمیخته بود.

۴. آریسیفه، لانزاروته - آتش و آبی در هم تنیده (۳۰ می ۲۰۲۵)

زمین سیاه، آسمان روشن، مجمع‌الجزایر قناری، با چهره آتشفشانی خود، در آریسیفه چهره گشود. جزیره لانزاروته با خاک تیره و چشم‌اندازهای فرازمینی‌اش، ما را به یاد آغاز آفرینش انداخت. بازدید از پارک تیمانفایا، گویی سفر در دل زمین بود.

۵. فوئرته‌ونتورا – بادی که می‌رقصید (۳۱ می ۲۰۲۵)

جزیره باد و ریگ، در فوئرته‌ونتورا، باد حرف اول را می‌زند. سواحل وسیع و بکر، تپه‌های ریگی طلایی، و سکوتی که در آن روح انسان آرام می‌گیرد. چند ساعتی در سواحل "کورا له‌خو" نشستیم، به موج‌ها نگاه کردیم و سکوت شنیدیم...

۶. لاس پالماس، گران کاناریا (۱ جون ۲۰۲۵)

جایی میان افریقا و اروپا، این شهر پرجنب‌وجوش، ما را به قلب فرهنگ اسپانیایی در دل اقیانوس برد. با خیابان‌هایی سرزنده، موسیقی در گوشه‌وکنار، و غذاهای دریایی خوش‌طعم، لاس پالماس تصویری بود از زندگی در توازن بین سنت و مدرنیته.

۷. سانتا کروز، تنریف – سایه آتشفشان و شکوفه‌های گرمسیری (۲ جون)

جزیره‌ای با روح شاعرانه، در تنریف، آتشفشان عظیم، بر جزیره سایه افکنده و هم‌زمان، گل‌های استوایی و معماری رنگین شهر، زندگی را در زیباترین شکلش نشان می‌دادند. تنریف یادآور این شد که تضاد، مادر زیبایی است.

۸. فونچال، مادیرا – بهشت پرتگالی در دل اقیانوس (۳ جون)

گل، و خاطره، شهر فونچال با باغ‌های معلق، مارکت‌های رنگی مادیرا، گویی جزیره‌ای از لطافت بود. از بلندی‌های مونته تا خیابان‌های سنگ‌فرش‌شده مرکز شهر، همه‌چیز طعم زندگی داشت. در هوای لطیف این روز، لحظه‌ای ایستادیم تا با جهان آشتی کنیم.

۹. کازابلانکا، مراکش – طعم افریقا (۵ جون)

جایی که شرق آغاز می‌شود، در کازابلانکا، رنگ، صدا، و رایحه‌های شرق ما را در آغوش گرفتند. بازارها، معماری اسلامی، و مردم مهمان‌نواز، ما را به یاد جهان اسلام و فرهنگ‌های ریشه‌دار انداخت. بازدید از مسجد الحسن دوم، تجربه‌ای باشکوه و فراموش‌نشدنی بود.

۱۰. بارسلونا – بازگشت به اروپا (۶ جون)

هنر و زندگی، بارسلونا، شهری پر از تحرک و فکر. بازدید از ساگرادا فامیلیا، خوردن تاپاس، و قدم زدن در لابه‌لای کوچه‌های قدیمی، انگار بازگشت به بخش آشناتری از اروپا بود؛ با چشم‌هایی پرتر از تجربه.

۱۱. مارسی – پایان و آغاز دوباره (۷ جون ۲۰۲۵)

بازگشت به بندر آشنا، با نگاهی دیگر، مارسی را با نگاهی نو در آغوش گرفتیم. همه‌چیز همان بود، اما ما دیگر همان نبودیم. بازگشت، گاهی پایان نیست، آغازی‌ست برای دیدن آنچه پیش‌تر نمی‌دیدیم. با استفاده از فرصت باقیمانده این بار شهر مارسی با تمام عظمت آن توسط بس توریستی شهر مارسی بصورت کامل مشاهده و تماشا کردیم که برای ما دلچسپ و تکرار ناشدنی بود در ختم این تور وقت غذای شام بود. با فرود آمدن از بس در ساحه بولوار بندر قدیمی در رستوران استانبول غذا صرف کرده به هتل بازگشتیم و در دل شب برادر به سوی وانکوور – کانادا و چند ساعت بعد من به سوی شهر لیل - فرانسه از هتل خارج و به سفر ما خاتمه دادیم. ختم